

ناتو و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

مقدمه

پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، ناتو در تلاش است نقش فعالی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ایفا کند. هوپ شیفر، دبیر کل ناتو، در سال ۲۰۰۴ طی سفر دوره‌ای خود به منطقه، از کشورهای مصر، رژیم صهیونیستی، الجزایر، موریتانی، مراکش، اردن و تونس دیدار نمود و با رهبران این کشورها پیرامون همکاری ناتو با این کشورها مذاکره کرد و سعی داشت تا نقش ناتو را در منطقه مدیترانه فعال نماید و همکاری این پیمان نظامی را در زمینه آموزشی و مبارزه با تروریسم با کشورهای فوق، توسعه دهد. در ۱۲ فوریه ۲۰۰۵، دبیر کل ناتو در کنفرانس سیاست‌های امنیتی مونیخ طرحی را پیشنهاد کرد که براساس آن، ناتو در حفظ صلح و امنیت میان فلسطینیها و صهیونیست‌ها، مشارکت فعالی داشته باشد؛ به شرطی که میان فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها قرارداد صلحی منعقد شود و سازمان ملل برای حفظ صلح در منطقه خاورمیانه به ناتو، مأموریت دهد.

در دوره چهل و دومین کنفرانس سیاست‌های امنیتی مونیخ که با عنوان «اروپا و آمریکا ... ترمیم شراکت آتلانتیک» در ۲۰۰۶/۲/۴ با حضور نمایندگان ۴۰ کشور از جمله

۴۰ وزیر خارجه و دفاع و ۲۵۰ کارشناس در قضایای امنیت بین‌المللی برگزار شد، موضوعات زیر مطرح گردید:

۱. بررسی وضعیت عراق و افغانستان؛
۲. بررسی مسائل دارفور؛
۳. بررسی پرونده هسته‌ای ایران؛
۴. بررسی روند منازعه اعراب و صهیونیست‌ها در پرتو پیروی حماس در انتخابات پارلمانی اخیر.

سوابق

۱. در ۲۳ آوریل ۱۹۹۹، مراسم پنجاهمین سالگرد تأسیس پیمان نظامی ناتو در آمریکا برگزار شد. به همین مناسبت؛ اعضای ناتو به تدوین دکترین نوین ناتو پرداختند. اساس این دکترین بر دو هدف و مأموریت بنا شده است. دو مأموریت جدید این پیمان عبارت است از:

الف: مدیریت بحران‌ها؛

ب: مشارکت.

هدف اصلی از طرح دکترین نوین، استقلال و آزادی همه اعضا و دفاع، برقراری صلح و فراهم آوردن فضای اروپایی - آتلانتیکی است. با ثبات این فضا، تهاجم هر دشمنی را به منطقه باز می‌دارد و با چالش‌ها و هرگونه خطر، اعم از نظامی، تروریستی، جلوگیری از رسیدن مواد حیاتی به کشورهای هم‌پیمان و جرایم سازمان یافته، مبارزه می‌کند.

۲. در کنفرانس پراگ، کشورهای عضو ناتو در روزهای ۲۱ و ۲۲ نوامبر ۲۰۰۲ گرد هم آمدند. این اجلاس به "کنفرانس تحولات"، مشهور است؛ زیرا در این

نشست، تحولات بزرگی در اهداف و سازکارها و دکترین‌های ناتو، رخ داد که به طور خلاصه به شرح زیر است:

۱. بازنگری در مفاهیم نظامی برای مقابله با تروریسم؛
۲. بالا بردن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نظامی برای مقابله با تروریسم؛
۳. تدوین طرح اقدام مشترک علیه تروریسم؛
۴. توافق بر سر توسعه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های نظامی پیمان ناتو در زمینه ترابری راهبردی؛
۵. توافق بر سر افزایش قدرت دفاعی بر ضد سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی و پرتویی؛
۶. توافق بر سر ایجاد نیروی واکنش سریع پیشرفته؛ قرار بود این نیرو تا سال ۲۰۰۶ به آمادگی کامل برسد؛
۷. توافق جهت پیشرفت و تکامل ساختار فرماندهی این پیمان در پرتو افزایش اعضای ناتو به ۲۶ کشور (در مارس ۲۰۰۴ بلغارستان، استونی، لتونی، لیتوانی، رومانی، اسلواکی، اسلونی به ناتو پیوستند).

نقش ناتو در سایه مصوبات کنفرانس استانبول

نشست سران کشورهای عضو ناتو در روزهای ۲۸ تا ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴ در استانبول برگزار شد. انتخاب استانبول به عنوان محل اجلاس، در حقیقت نمادی از انتقال مرکز ثقل ناتو به خاور و نشانه‌ای از آغاز توسعه عملیات پیمان به خارج از مرزهای اروپایی و شروع

توسعه همکاری نظامی با شرکای جدید، بوده است. انعقاد نشست سران ناتو در استانبول همزمان با تشکیل حکومت موقت عراق بوده است.

اجلاس استانبول زمانی گشایش یافت که ناتو تا حدودی مأموریت خود را در بوسنی و هرزگوین به پایان رسانده بود؛ به طوری که ناتو در سال ۱۹۹۵، ۶۰ هزار نیروی نظامی به بوسنی اعزام کرده بود، ولی با آغاز سال ۲۰۰۵، این نیرو به ۷ هزار سرباز کاهش یافت. در مقابل، ناتو نیروی نظامی خود را در افغانستان افزایش داد. دستاوردهای اجلاس استانبول را می‌توان چنین خلاصه نمود:

۱. ناتو از هفت کشوری که (مصر، اسرائیل، موریتانی، اردن، تونس، مراکش و الجزایر) در حال گفت‌وگو با این پیمان هستند، خواست از طریق تقویت توسعه گفت‌وگوهای سیاسی و تقویت همکاری در زمینه‌های تأمین مرزها و مبارزه با تروریسم و نوسازی نظامی، همکاری خود را توسعه دهد و از مرحله گفت‌وگوی سازنده به مرحله همکاری مشترک فعال برسند.

رامسفیلد، وزیر دفاع آمریکا، در نشست سیاست‌های امنیتی مونیخ (شبهه اجلاس سالانه داووس در امور امنیتی - راهبردی) در ۷ فوریه ۲۰۰۴، پیش از انعقاد اجلاس استانبول، تأکید کرد، هفت کشوری که در حال گفت‌وگو با ناتو هستند، باید همکاری خود را توسعه دهند و از این مرحله به مرحله همکاری و مشارکت فعال برسند، تا به تروریست‌ها اجازه فعالیت علیه امنیت دریای مدیترانه ندهند. وی در این اجلاس، اهمیت طرح خاورمیانه بزرگ و نقش همکاری کشورهای مدیترانه با ناتو را تشریح نمود.

وزیر دفاع آمریکا، اهداف توسعه همکاری کشورهای مدیترانه با ناتو را تعیین کرد

که عبارت است از:

الف: مبارزه با تروریسم؛

ب: کنترل و ضبط کشتی‌هایی که سلاح‌های کشتار جمعی قاچاق می‌کنند؛

ج: مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مهاجرت‌های غیرقانونی؛

د: حفظ صلح و ثبات منطقه مدیترانه در خشکی و دریا؛

ه: تقویت امنیت مرزها و بنادر؛

و: مشارکت در آموزش‌های نظامی دسته‌جمعی برای تقویت مشارکت در

طرح‌های مشترک.

۲. نقش ناتو در منطقه خاورمیانه بزرگ: نقش ناتو در این منطقه، در پنج زمینه

زیر خلاصه می‌شود:

الف: همکاری نظامی در زمینه امنیت نرم‌افزاری؛

ب: تقویت حضور نظامی در منطقه مدیترانه برای مقابله با تروریسم؛

ج: تقویت حضور نظامی در عراق و ارائه کمک‌های لجستیکی به

نیروهای لهستانی در عراق؛ همچنین ناتو مسئولیت مستقیم آموزش

ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی عراق را بر عهده می‌گیرد.

د: تقویت فرماندهی نیروهای حافظ صلح در افغانستان (مصر با یک

بیمارستان صحرایی و اردن با یک نیروی کوچک در این عملیات

شرکت دارند).

ه: حمایت از طرح‌های دموکراسی و اصلاحات در خاورمیانه در

زمینه‌های دفاعی و غیرنظامی.

میزان موفقیت ناتو در خاورمیانه بزرگ

موفقیت مأموریت‌های ناتو در منطقه خاورمیانه بزرگ به دو عامل عمده زیر بستگی دارد:

۱. میزان و ضریب توافق ناتو میان آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا در داخل ناتو؛
 ۲. میزان همکاری کشورهای مدیترانه با ناتو.
- در قضیه عراق، ۱۶ کشور عضو ناتو در عملیات نظامی آمریکا همراهی کردند، ولی آلمان و فرانسه که طرفدار نقش سازمان ملل در عراق بودند، از همکاری با آمریکا امتناع ورزیدند. در حال حاضر، در قضیه دارفور کشورهای ناتو درباره حضور نظامی در این منطقه به توافق نرسیدند. فرانسه با طرح مداخله نظامی ناتو در دارفور مخالف است و از حضور نظامی اتحادیه آفریقا در این منطقه حمایت می‌کند. فرانسه خوب می‌داند که حضور ناتو در این منطقه برای مناطق نفوذش (چاد، آفریقای مرکزی، ساحل عاج و بقیه کشورهای فرانکفونی منطقه غرب آفریقا) تهدیدزا است.
- تجربه جنگ عراق اثبات کرد که کشورهای ناتو، دیدگاه مشترک راهبردی درباره نقش ناتو در منطقه خاورمیانه ندارند. قضیه اصلاحات و دموکراسی در خاورمیانه نیز اختلاف دیدگاه‌های کشورهای ناتو را درباره نقش ناتو در منطقه، آشکار نمود.
۳. افزایش اهتمام ناتو به منطقه خلیج فارس. در نشست استانبول، دامنه همکاری و گفت‌وگو کشورهای عربی با ناتو توسعه یافت و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به این روند پیوستند. تحولات عراق و افغانستان و نقش کشورهای خلیج فارس در عملیات نظامی آمریکا و متحدان آن، زمینه‌ساز همکاری کشورهای خلیج فارس با ناتو بوده است.

کشور قطر نقش مؤثری در این راستا داشته است؛ به طوری که در دوحه، چند نشست گفت‌وگو میان ناتو و کشورهای خلیج فارس برگزار شد. این گفت‌وگوها باعث افزایش و توسعه حجم حضور ناتو در ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس است. سفر وزیر کشور ترکیه به منطقه خلیج فارس در اواخر فوریه ۲۰۰۶، دستاورد بزرگی برای ترکیه داشت؛ به طوری که ترکها در این سفر توانستند سه قرارداد امنیتی مشترک با عربستان سعودی، بحرین و امارات عربی متحده برای مقابله با تروریسم، منعقد کنند. این طرح‌های امنیتی زمینه‌ساز افزایش نقش ترکیه به عنوان نماینده ناتو در ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس می‌شود.

علل اهتمام ناتو به منطقه مدیترانه و خاورمیانه

۱. دشمن اول: پس از فروپاشی شوروی و انحلال پیمان نظامی ورشو و پایان جنگ سرد، مفهوم دشمن اول برای فرماندهی ناتو تغییر یافت. پس از حادثه یازدهم سپتامبر، آمریکا با بکارگیری تمامی ابزارها به مقابله با تروریسم پرداخت و کشورهای ناتو را مجبور به همراهی نمود. از دیدگاه غرب منبع و کانون تروریسم، منطقه خاورمیانه می‌باشد که پرورش دهنده بنیادگرایی اسلامی است و با غرب (به مفهوم جغرافیایی و فلسفی) مخالف است.
- سران کشورهای ناتو همچون بوش، رئیس‌جمهور آمریکا و برلسکونی نخست‌وزیر ایتالیا، به صراحت اظهار داشتند نبرد علیه تروریسم، جنگ صلیبی است. رئیس‌جمهور آمریکا در اثنای سفرش به لیتوانی، اظهار داشت: «ناتو در این جنگ (مبارزه علیه تروریسم) با چالش و خطرات جدی روبه رو خواهد بود ولی در پایان، ما پیروز خواهیم شد، همچنان که بر نازیسم و کمونیسم پیروز شدیم».

۲. منطقه خاورمیانه ذخایر غنی انرژی و معادن زیرزمینی فراوانی دارد، کشورهای ناتو در این منطقه، منافع سیاسی، راهبردی، اقتصادی و نظامی دارند.
۳. از دید غرب، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا سرچشمه تهدیدات جدی برای امنیت کشورهای ناتو است. تروریسم، مهاجرت‌های غیرقانونی، انواع قاچاق منازعات مذهبی و نژادی، سلاح‌های کشتار جمعی، همگی برای اروپا منابع تهدیدزا هستند.
۴. غرب به امنیت انتقال نفت از این منطقه به کشورهای مصرف‌کننده، اهتمام می‌ورزد؛ به طوری که اکنون روزانه ۳۰۰ نفتکش در منطقه مدیترانه در حال رفت‌وآمد است.

وضعیت حضور ناتو در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

۱. گروه پنج - پنج: در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۴، وزیر دفاع کشورهای گروه پنج - پنج (معروف به گروه کشورهای غرب مدیترانه) بیانیه‌ای امضا نمودند که براساس آن، این کشورها متعهد شدند، همکاری‌های امنیتی مشترک در منطقه مدیترانه را برای مقابله با تروریسم تقویت کنند. در اجلاس پاریس، وزیران دفاع کشورهای این گروه، طرح اولیه همکاری مشترک را تأیید نمودند. براساس این طرح، کشورهای عضو جهت تثبیت و تقویت امنیت دریایی در منطقه مدیترانه، همکاری مشترک خواهند داشت. از دید کشورهای اروپایی عضو این گروه، حفظ لوله‌های انتقال گاز شمال آفریقا به اروپا از راه دریای مدیترانه از اولویت‌های راهبردی برخوردار می‌باشد.

فرانسه، ایتالیا و اسپانیا بخش عمده نیازهای خود را در زمینه انرژی از کشورهای مغرب عربی تأمین می‌کنند. پس از یازدهم سپتامبر، فعالیت‌ها و برنامه‌های مطرح شده در نشست‌های این گروه در زمینه‌ها و سطوح مختلف، بیشتر پیرامون محور مبارزه با تروریسم و مهاجرت‌های غیرقانونی و جرایم سازمان یافته است.

۲. امنیت عراق: آمریکا به دنبال مشارکت جدی و وسیع ناتو در عراق است و به

رغم مخالفت برخی از کشورهای عضو مانند فرانسه، ناتو به طور رسمی نیروی نظامی خود را از ۶۰ نفر به ۳۰۰ نفر افزایش داده است و آنها بیشتر در زمینه آموزشی نیروهای نظامی و امنیتی عراق فعالیت دارند.

۳. منطقه خلیج فارس: دامنه گفت‌وگو میان کشورهای منطقه با ناتو پس از اجلاس استانبول گسترش یافته است.

۴. افغانستان: فرماندهان ناتو شکست خود را در تأمین نیرو و جلب حمایت‌های لجستیکی لازم برای توسعه مأموریت‌های نظامی در غرب افغانستان ابراز داشتند و آمریکا از عدم همکاری جدی آلمان، فرانسه، بلژیک، یونان و اسپانیا در مأموریت‌های ناتو در افغانستان بسیار خشنود است.

۵. منطقه مدیترانه: تحرک یگانهای دریایی وابسته به ناتو در منطقه مدیترانه جهت کنترل و رهگیری کشتی‌های حمل و نقل و مسافربری در حال رفت‌وآمد در این منطقه، افزایش یافته است؛ به طوری که اکنون بیش از ۳۰ ناو دریایی وابسته به واحدهای نیروی دریایی ناتو در این منطقه در حال تردد هستند و تمرکز آنها در منطقه تنگه جبل طارق و منطقه ارتباط مدیترانه با اقیانوس اطلس است.

همکاری کشورهای مغرب عربی با اتحادیه اروپا در زمینه مبارزه با مهاجرت‌های غیرقانونی افزایش یافته است. لیبی پس از لغو محاصره بین‌المللی و تشدید روند عادی‌سازی با غرب، قراردادهای امنیتی با ایتالیا و فرانسه در زمینه‌های مبارزه با مهاجرت‌های غیرقانونی، بازسازی نیروی دریایی خود، منعقد نمود. همچنین در اواخر فوریه سال جاری برای خرید اسلحه و بازسازی نیروی دریایی خود، قرارداد نظامی با اسپانیا منعقد نمود.

ارزیابی همکاری ناتو و کشورهای عربی

به مناسبت گذشت یک دهه از گفت‌وگو میان کشورهای مدیترانه و ناتو، وزیران خارجه ۲۶ کشور ناتو با هم‌تاهای خود از کشورهای مدیترانه‌ای (مصر، موریتانی، مراکش، الجزایر، تونس، رژیم اسرائیل و اردن) در بروکسل در تاریخ ۲۰۰۴/۱۲/۸ نشست برپا کردند تا یک دهه همکاری میان آنها را ارزیابی کنند. دبیر کل ناتو در این اجلاس بر مسائل زیر تأکید داشت:

۱. ضرورت توسعه همکاری نظامی - امنیتی میان ناتو و کشورهای همکاری (هفت کشور مدیترانه‌ای) از مرحله گفت‌وگو به مرحله مشارکت.
۲. ضرورت همکاری در زمینه‌های مبارزه با تروریسم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی.

کشورهای عربی در این اجلاس بر محورهای زیر تأکید داشتند:

۱. تصویر ناتو در اذهان و افکار عمومی جهان عرب منفی بوده است و این امر موانع روانی فراوانی در راه گسترش همکاری اعراب با ناتو ایجاد می‌کند.
 ۲. برای اعراب عدم پذیرش لیبی، لبنان و سوریه برای همکاری با ناتو سؤال‌انگیز است.
 ۳. اعراب از عدم شفافیت ناتو در تشریح و تبیین طرح‌های خود در منطقه نگران هستند.
 ۴. اعراب از ناتو خواستند نسبت به تأثیرگذاری تسلیحات هسته‌ای رژیم اسرائیل بر روند صلح و امنیت و ثبات منطقه، بیشتر توجه کند. اعراب گوشزد کردند که مداخله ناتو در منازعه اعراب و اسرائیل زود هنگام است و در حل مشکلات منطقه خاورمیانه سودمند نیست.
 ۵. مصری‌ها با طرح ناتو مبنی بر مشارکت کشورهای عربی همچون مصر، مراکش، موریتانی و اردن در مانورهای نظامی با کشورهای عضو ناتو مخالفند.
- اغلب کشورهای عربی از همکاری با ناتو استقبال می‌کنند و این وضعیت، موضع مصر را تضعیف می‌کند؛ از این رو دیپلماسی این کشور را مجبور به یک نوع سازش و تن دادن به خواسته‌های ناتو در منطقه، نموده است.

نتیجه‌گیری

۱. دامنه مأموریت‌های ناتو در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پس از اجلاس استانبول، افزایش یافته و تحرک دیپلماسی ناتو برای توسعه همکاری و

مشارکت کشورهای عربی در طرح‌های سیاسی و نظامی ناتو پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، تشدید شده است.

۲. روند همکاری کشورهای منطقه خلیج فارس به‌ویژه کشورهای کوچک آن همچون قطر، بحرین و امارات متحده عربی با ناتو پس از اجلاس استانبول شتاب زیادی پیدا کرده و پس از سقوط بغداد، زمینه‌های حضور ناتو در ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس به‌طور روزافزونی در حال توسعه است.

۳. نقش بازیگری ترکیه در طرح‌های منطقه‌ای ناتو پس از اجلاس استانبول برجسته شده است و در پرتو حضور ناتو در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، هژمونی منطقه‌ای آنکارا و دامنه حضور آن در ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس (با انعقاد قراردادهای امنیتی با ریاض، منامه و ابوظبی) به‌طور آشکار افزونی یافته است.

۴. با توجه به تحرک ناتو در منطقه، جمهوری اسلامی ایران باید طرح‌های راهبردی جهت کاهش منابع تهدیدزاد و خنثی نمودن طرح‌های ایدایی این پیمان برنامه‌ریزی نماید.